



معرفی و نقد کتاب: جبل عامل بین الشهیدین (تامی درباره تاریخ تشیع در جبل عامل)

پدیدآورده (ها) : رحمتی، محمد کاظم
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه دین :: اسفند 1385 و فروردین و اردیبهشت 1386 - شماره 114 و 115
از 28 تا 35

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/341506>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 31/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشیار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قواین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

حبل عامل بین الشهیدین

تأملی درباره تاریخ تشیع در جبل عامل

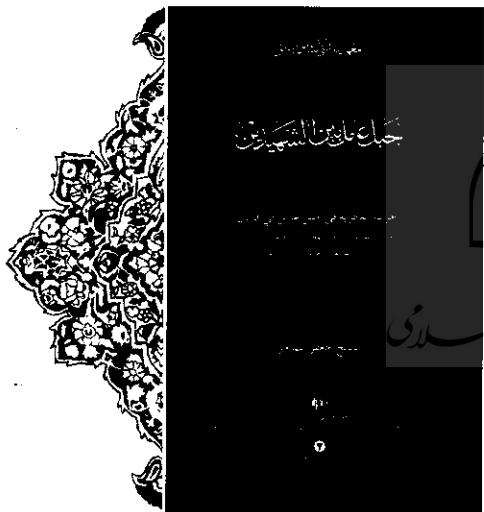
• محمد کاظم رحمتی

- جبل عامل بین الشهیدین: الحركة الفكرية في جبل عامل في قرنين
- جعفر المهاجر
- المعهد الفرنسي لشرق الأدنى، (دمشق، ۲۰۰۵م).

اشاره: تاریخ تشیع در فاصله شهادت شهید اول محمد بن مکی (۷۷۸ق/ ۱۳۸۴م) تا شهادت شهید ثانی (۹۶۵ق/ ۱۵۵۷م) یکی از ادوار کمتر شناخته شده، است و بیش ترین آگاهی ما در این باره، به گزارش های بسیار کوتاه شیخ حز عاملی (۱۰۲۲ق - ۱۱۰۴م) در کتاب امل الامل فی ذکر علماء جبل عامل محدود می شود. مأخذ دیگری که می توان اطلاعات بسیار دقیقی از تاریخ تشیع در این برده از آنها به دست آورده، اسناد اجازات است. بخش اعظم این اسناد را صاحب ریاض العلماء، عبدالله افندی اصفهانی جیرانی (متوفی ۱۱۳۰ق/ ۱۷۱۷م) پس از درگذشت استادش ملا محمد باقر مجلسی، از میان نسخه های موجود در کتابخانه وی، بر بخار الانوار افزوده است. تحلیل و بررسی اسناد اجازات برای شناخت تاریخ تشیع در فاصله میان شهادت شهیدین در جبل عامل، موضوع کتابی است با عنوان جبل عامل بین الشهیدین، نوشته محقق ارجمند شیخ جعفر المهاجر. از آن جا که نویسنده، شیوه نوین در باب موضوع مورد نظر پیش گرفته است، دیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، کتاب مذکور را به عنوان اثر برتر برگزید. نوشته حاضر مروری بر این کتاب و یافته های نویسنده آن است.

است (درباره اهمیت اجازات بنگرید به: مدخل «اجازه» در دانشنامه ایرانیکا، نوشته دوین استوارت). از این اسناد چگونه می توان بهره گرفت و چگونه می توان تاریخ تشیع را بر اساس چنین اسنادی مورد بررسی و تحقیق قرار داد؟ اما آیا این کتاب و آثاری که به عنوان تکمله های آن تألیف شده است، می تواند پاسخی روشن در اختیار دارد؟ از آن جمله، در چند قرن اخیر، اسناد اجازات که خوشبختانه متن بخش قابل توجهی از آنها را شاگرد برجسته علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی اصفهانی در بخش اجازات بخار الانوار گردآوری کرده است و هنوز هم می توان، اجازات را تشخیص داد و تحلیل کرد؟ روحانی لبانی، شیخ جعفر المهاجر در کتاب ارزشمند جبل عامل بین الشهیدین با بررسی اطلاعات مندرج در اجازات، تحولات

فقدان آثاری با نگرش صرف تاریخ نگاری، محقق تاریخ تشیع را با دشواری های بسیار روبرو می کند. با این همه، اگر وظیفه محقق تاریخ را، بازسازی گذشته با توجه به هر گونه استاد موجود از گذشته بداییم، محقق تاریخ تشیع نیز، اسناد و مدارک چشمگیری در اختیار دارد؛ از آن جمله، در چند قرن اخیر، اسناد اجازات که خوشبختانه متن بخش قابل توجهی از آنها را شاگرد برجسته علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی اصفهانی در بخش اجازات بخار الانوار گردآوری کرده است و هنوز هم می توان، اجازات برآنده ای را در نسخه های خطی باز یافت. البته بیش تر این گونه آثار، همان متونی است که افندی در پایان بخار الانوار گنجانده



این دوره نبوده، بلکه آنها، عموماً به نام محل سکونتشان منسوب بوده‌اند. مانند محمد بن مکی جزینی (۷۸۶ق/۱۳۸۴م؛ بخارا الانوار، ۱۰۷، صص ۳۴، ۴۵، ۱۴۰)، پسر عمومی او محمد بن محمد بن مؤذن جزینی (بخارا، ج ۱۰۸، ص ۳۷)، علی بن حسن بن محمد بن صالح لویزیابی منسوب به روستای لویزه (بخارا، ج ۱۰۳، ص ۲۰۳)، فرزندش محمد بن علی جبعی (۸۷۳ق/۱۴۷۱م؛ بخارا، ج ۱۰۷، ص ۲۰۳)، علی بن یونس نبطی (۸۷۷ق/۱۴۷۲م؛ بخارا، ج ۱۰۷، ص ۲۰۵)، علی بن محمد بن یونس بیاضی (حدود ۸۵۲ق/۱۴۴۸م) و محمد بن احمد صهیونی منسوب به روستای صهیون (حدود ۸۶۹ق/۱۴۶۴م؛ بخارا، ج ۱۰۸، ص ۱۷۲).

بنا به نوشته مهاجر (ص ۲۶)، نخستین فقیه اهل حبل عامل که با نسبت «عاملی» از او یاد شده، زین الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی (۱۵۵۷ق/۱۶۰۵م) است. او در اجازه مشهور خود به حسین بن عبدالصمد حارثی، با تاریخ جمادی الآخر ۹۴۱ق

جبل عامل و مراکز علمی را در این منطقه مهم شیعه نشین در دو قرن مورد بررسی قرار داده است. مهاجر پس از مقدمه‌ای کوتاه (صص ۷-۱۵) که شامل گزارشی از منابع موجود برای بررسی تاریخ جبل عامل در دوره زمانی مورد بحث است، به طرح این پرسش می‌پردازد که چگونه جبل عامل در فترت میان شهادت «شهیدین» به مهم‌ترین مرکز شیعه تبدیل شد و این اتفاق از چه شرایط اجتماعی در جبل عامل سر برآورد؟

کتاب امل الامل فی ذکر علماء جبل عامل شیعه حزب عاملی (۱۱۰۴-۱۱۰۳ق/۱۶۹۲-۱۶۹۳م) و تکمله‌های آن، از جمله مهم‌ترین مأخذ برای تحقیق در موضوع مذکور است (برای گزارشی از اهمیت کتاب امل الامل و تکمله‌های که بر آن نگاشته شده بنگرید به: مدخل امل الامل در دانشنامه ایرانیکا نوشته رُوزف فان اس).

نویسنده نخست (صص ۱۹-۳۰) به جغرافیای تاریخی جبل عامل پرداخته و تحولات تاریخی را در این حد و حدود جغرافیایی، از کهن‌ترین زمان پی‌گرفته است. در همین فصل، مهاجر (ص ۲۵) به اهمیت اسناد اجازات اشاره کرده و در تعریف اجازه به نقل از بخارا الانوار (ج ۱۰۵، ص ۱۶۱) می‌نویسد:

«الكلام الصادر عن المحيز، المشتمل على إنشائه الإذن برواية الحديث عنه، بعد إخباره إجمالاً بمروياته و مشايخه و الكتب والمصنفات التي قرأها أو التي صدر الإذن عن المحيز بروايتها». در غالب اسناد اجازات، به محل و تاریخ اعطای اجازه به تصریح اجازه‌دهنده تصریح شده و همین نکته است که در بررسی تاریخی، به اسناد اجازات اهمیت خاصی می‌بخشد.

به نوشته مهاجر، نسبت «عاملی» پسوند نام و نسب عالمان



بعد به جبل عامل مهاجرت کرده باشند. مهاجر ضمن بیان نظرات سیدمحسن امین، تأکید کرده است که برخلاف نظر امین، احوال علمای جبل عامل پیش از قرن ششم به کلی مجهول نیست، اما فرضیه وجود شماری از عالمان شیعی در جبل عامل پیش از قرن ششم بر چه اساسی قرار دارد؟ مهاجر از موضوع مهاجرت فقهای شیعه مناطق دیگر به جبل عامل، به عنوان «احتمال» سخن گفته، اما فقدان اطلاعات کافی را در این باره یادآوری و اشاره کرده که تنها اطلاع ما از مهاجرت فقیهان شیعی به جبل عامل، مهاجرت ابوالقاسم بن حسین بن عود اسدی است؛ و اپسین فقیه شیعی ساکن حلب که از آن جا به جبل عامل مهاجرت کرده و در جزین سکونت یافته و در سال ۶۷۶ق/ ۱۲۷۸م در محل اخیر درگذشته است (محمد راغب طباخ، إعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء، ج ۴، ص ۴۷۹). با اینکه فرضیه امین معقول به نظر می‌رسد، مهاجر آن را نمی‌پذیرد (ص ۶۴) و تحول جبل عامل به مرکز تشویع را مرهون کوشش خود عالمان عاملی می‌داند که البته در مراکز شیعی چون حلب، حله و طرابلس تحصیل کرده‌اند و از این‌رو در ادامه بحث، به ذکر شرح احوال دیگر فقیهان مشهور عاملی می‌پردازد.

نخستین فقیه مورد بحث مهاجر، شهاب‌الدین اسماعیل بن شرف ابی عبدالله حسین عودی جزینی است که شیخ حز عاملی (ج ۱، ص ۴۱) از او با عنوانی فاضل، عالم، شاعر و ادیب یاد کرده است. وی در نزد مشایخ شیعه حله داشت آموخت و پس از آن به زادگاه خود جزین بازگشت و در همانجا درگذشت. به نظر مهاجر، ابن عودی نخستین فقیه عاملی است و از آثار او لارجوza در شرح الاقوٰت فی علم الکلام شناخته است. شیخ حز، ابن عودی را صاحب آثار دیگری نیز دانسته است، اما چنین به نظر می‌رسد که ارجوزه تنها اثر باقیمانده این فقیه باشد (متن این ارجوزه را آقای محمد رضا انصاری قمی در میراث اسلامی ایران، ج ۸، صص ۵۳۳-۵۱۳ منتشر کرده‌اند).

روشن نیست مهاجر، بنابر چه مأخذی، محمد بن علی بن حسن عودی جزینی (متوفی در حدود ۹۷۵ق/ ۱۵۶۷م) را که تنها به سبب نگارش شرح حال شهید ثانی عالمی شناخته شده است، از نوادگان ابن عودی معرفی کرده است. ابن عودی از عالمان شیعی

۱۵۴۳م با این نسبت از خود یاد، و همین نسبت را در اجازة دیگری به ملا محمود بن محمد لاھیجانی در ایام اقامتش در بعلک در رجب ۹۵۳ق داده، تکرار کرده است (برای تفصیل بحث بنگرید به: جعفر المهاجر، ستة فقهاء أبطال، صص ۱۳۱-۱۸۵). هرچند در همین اجزاء نیز شهید از خود در پایان اجازه به زین‌الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی، یاد کرده است. چنانکه مهاجر متذکر شده است، بعدها نیز فقهای عاملی، به محل سکونت خویش منسوب می‌شده‌اند، مانند علی بن عبدالعالی کرکی (۹۴۰ق/ ۱۵۳۲م) و فرزندان و نوادگانش که به کرکی شهرت داشتند.

در فصل دوم، با عنوان «جبل عامل در دوران شکل‌گیری و اشغال صلیبیان» (صفحه ۳۳-۶۰) آبادانی جبل عامل به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. کهن‌ترین گزارش تاریخی در این باب که مهاجر به آن دست یافته، از آن مقدسی است، نویسنده اثر پرآوازه احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم تألیف شده در حدود ۳۷۵ق/ ۹۸۵م مقدسی ضمن اشاره به قدس و مناطق روستایی اطراف آن، از روستاهای جبل عامل نیز یاد کرده و از آبادانی این منطقه، با تعبیر «دو قری نفیسه» سخن به میان آورده است. گذشته از دیگر مأخذ، نوشتة ابن جبیر (۵۳۹ق/ ۱۱۴۴-۱۲۱۷م) نیز در الرحله، کامل‌ترین و جامع‌ترین گزارش از روزگاری است که جبل عامل به اشغال صلیبیان در آمده بود و مهاجر، به تفصیل، این گزارش را تحلیل و بررسی کرده است.

فصل سوم، «آغاز نهضت و پیشگامان آن» مشتمل است بر بررسی شرح احوال هفت فقیه ساکن جبل عامل در قرن ششم. مهاجر در این فصل، نظر سیدمحسن امین در خطوط جبل عامل (صفحه ۷۷-۷۸) را مطرح کرده است، مبنی بر اینکه از احوال علمای جبل عامل، پیش از قرن ششم، اطلاعی در دست نیست. به نوشته امین، عالمانی که حز عاملی از آنها نام برده است همگی مربوط به قرن ششم به بعد بوده‌اند؛ افزون بر آنکه در میان مشایخ شهید اول، کسی از عالمان عاملی به چشم نمی‌خورد، اما از آن جا که در قرن ششم عالمان متعددی در جبل عامل سکونت داشته‌اند، به ظاهر باید پیش از این تاریخ نیز کسانی در آن جا بوده باشند. بنا به احتمال دیگری که سیدمحسن امین مطرح کرده، ممکن است عالمان شیعه در نواحی حلب، طرابلس و صیدا، از قرن ششم به



دوم نیز از جمله آثار مورد استناد علامه مجلسی در بحث‌الاتوار بوده و متن آن، در سال‌های اخیر بر اساس نسخه‌هایی از کتاب منتشر شده است. چنانکه مهاجر اشاره کرده، آثار این فقیه، نخستین تألیفات علمی عالمی است به دست ما رسیده است.

مهاجر در معرفی سومین عالم عاملی، از طومان بن احمد مناری (۷۲۸ق/۱۳۲۷م) نام برده است (در متن چاپی امل الامل: «طمان بن احمد عاملی» ج ۱، ص ۱۰۳). مهاجر بر اساس دو نقل از شهید اول (بحث‌الاتوار، ج ۱۰۹، ص ۲۰-۲۱) و گفته شیخ حسن بن زین الدین جباعی که نام این فقیه را بر ظهر نسخه‌ای، به صورت «یقین بالله الصمد طومان بن احمد» دیده، نام «طومان» را بر «طمان» ترجیح داده است. مهاجر (ص ۷۲) سپس با ذکر ادله‌ای چنین نظر داده که «طومان» نامی ترکی است و در نتیجه پذیرش این موضوع که این فقیه عاملی است، دشوار می‌شود درباره این فقیه عاملی این اندازه می‌دانیم که مدتی در حله و در نزد مشایخ امامیه آنجا به تحصیل فقه مشغول بوده و به ویژه در محضر درس محمد بن احمد بن صالح قسینی (۶۶۴ق/۱۲۶۵م) حضور داشته و همراه با این حاتم، نزد رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس و جعفر بن سعید حلى به فراگیری فقه امامیه مشغول بوده است. بخشی از اجازة طومان از جعفر بن سعید حلى در دست شیخ حسن بن زین الدین جباعی بوده و آن را در اجازة کبیره خود اورده است، اما بدون تاریخ دریافت اجازه. به طور طبیعی، طومان بن احمد مناری نیز می‌باید بعد از اتمام درس، از حله به زادگاهش مناره بازگشته باشد. در همان اجازة شیخ حسن جباعی، اشاره شده است که پدر شهید اول، مکی بن محمد بن حامد جزینی و نیز علاءالدین بن زهرة حلبي، هر دو از شاگردان مناری بوده‌اند. به نظر مهاجر، این دو عالم، در مناره، زادگاه و اقامگاه مناری به تحصیل فقه در نزد او پرداخته‌اند؛ به استناد این بخش از نوشته شهید اول در اجازة خود: «و قد كان والدى جمال الدين ابو محمد مكى من تلاميذ المجاز له، الشیخ العلامة نجم الدين طومان، و المتددىين اليه...»، به نظر مهاجر، عبارت «المتددىين اليه» به اقامت مناری در مناره اشاره دارد که مکانی نزدیک به جزین بوده است، اما چرا علاءالدین حلبي برای تحصیل فقه به مناره سفر کرده؟ پاسخ این سوال در بخشی دیگر از اجازة شهید است:

حله است که نام برخی دیگر از اعضای خانوده‌اش را می‌دانیم و مجموعه‌ای ارزشمند از آثاری که افراد این خاندان کتابت کرده‌اند، در نسخه‌ای نفیس در بادلیان باقی مانده است و خانم زاینه اشمتیکه وعده نگارش مقاله‌ای را درباره این نسخه داده‌اند؛ البته استاد محترم آقای سیدحسین مدرسی طباطبائی نیز درگزارشی اعضای این خاندان را معرفی کرده‌اند (مفاوضه‌ای در مسئله شیئیت معدوم، در میراث اسلامی ایران، ج ۱، صص ۱۵۹-۱۷۴). دومین عالمی که مهاجر به شرح حال وی پرداخته، جمال الدین یوسف بن حاتم مشغیری (متوفی حدود ۶۶۴ق/۱۲۶۵م) است. نسبت «مشغیری»، به خوبی دلالت بر هویت عاملی این عالم، یعنی انتساب به روستای مشغیره دارد. شهید اول نیز در کتاب الذکری، که تأییف آن را در ۷۸۴ق/۱۳۸۲م. به پایان آورده، از این فقیه عاملی یاد کرده است. مشغیری در حله به تحصیل فقه شیعی پرداخت و از مشایخ آن جا، چون رضی‌الدین علی بن طاووس در ۶۶۴ق/۱۲۶۳م. و نجم‌الدین جعفر بن سعید اجازه روایت حدیث دریافت کرد. چنانکه مهاجر اشاره کرده است، درباره تحصیلات فقهی این حاتم این اندازه می‌دانیم که وی در حله نزد فقیهان برجسته آن دیار، محقق حلى، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۶۷۶ق/۱۲۷۴م) و یحیی بن احمد بن سعید (۶۹۰ق/۱۲۹۲م) و علی بن موسی بن طاووس (۶۶۴ق/۱۲۶۲م) علم آموخت. به درستی دانسته نیست که آیا این حاتم پس از اتمام تحصیلات خود، به مشغیره بازگشت یا نه؟ تنها نکته دیگر درباره این حاتم این است که وی هنگام اقامت در بغداد، سؤالاتی از شیخ خود، جعفر بن سعید پرسیده و پاسخ‌های جعفر بن سعید به آن سؤالات، به المسائل البغدادیة مشهور بوده و آغاز آن در تکمله امل الامل (۳۴۵) آمده است.

از آثار این حاتم دو اثر به نام‌های الأربعون حدیثاً عن الأربعين رجلاً و كتاب الدر النظيم في مناقب الأنفة للهامي باقی مانده است. شیخ حز اشاره کرده (امل الامل، ج ۱، ص ۱۹۰) که از اثر نخست نسخه‌ای نزد او موجود است و متن کامل آن را دیگر عالم امامی، سید هبة الله بن محمد موسوی در اثر خود به نام المجموع الرائق نقل کرده است. گرچه المجموع الرائق منتشر شده است، اما آقای مهاجر برای این اثر به کتاب الذريعة ارجاع داده‌اند. کتاب

صفدی، این عالم امامی، در مجلد سلم، یکی از روستاهای صفد، سکونت داشته، از پیشوایان شیعه بوده و نزد ابن عود و ابن مقبل حمصی علم آموخته است. شایسته یادآوری است که نجیب الدین ابوالقاسم ابن حسین بن عود حلی اسدی (ق ۵۸۱-۱۱۸۹) و اپسین فقیه شیعی ساکن در حلب، به اجرای انجام رانده شد و شرح این حادثه را یونینی (ذیل مراة الزمان، ج ۳، ص ۲۷۴) و ذهبی (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۳۸۱-۳۸۲) آورده‌اند. وی در جزین اقامت گزید و در همانجا درگذشت.

فقیه دیگری که صفتی از او نام برده، مبارک بن یحیی بن مبارک مشهور به مخلص الدین غسانی حمصی (ق ۶۵۸-۱۲۵۶) است و یونینی (ذیل مراة الزمان، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶) نیز او را چنین توصیف کرده است: «کان فاضلا ادیبا، و له معرفة تامة بالأنساب و هو أحد مشايخ الشيعة، توفى في ربیع الآخر بحمل لبنان، و كان قد هرب من التتر فأدركه أجله».

بی‌شک حیات علمی در جبل عامل با ورود محمد بن مکی جزینی مشهور به شهید اول، دچار تحولی شگرف شد و حوزه علمی تشیع از حله به جزین انتقال یافت. از این‌رو، مهاجر فصل چهارم کتاب (صفحه ۱۰۷-۱۴۶) را عنوان «قهرمان نهضت» به بررسی حیات شهید اول اختصاص داده است. مهاجر نخست به بیان شرح حال شهید اول (صفحه ۱۰۹-۱۱۸) و تصحیح برخی خطاهای رخ داده در شرح حال او پرداخته و در ادامه بحث، تحولات سیاسی جبل عامل، خاصه مسئله فتح منطقه کسریون را که در روزگار شهید رخ داده، توضیح داده است. چنانکه مهاجر یادآور شده، شهید ثانی سهم چشمگیری در انتقال حوزه علمی شیعه از حله به جبل عامل داشت و شگفت نیست که تعابیری همچون «من تلامیذ الشهید» یا «منم بروی عن الشهید» را در آثار رجال‌شناسی و اسناد اجازات فراوان می‌توان دید. در حقیقت، شهید اول نسل مهمی از علمای شیعه را تربیت کرد که در تحکیم و تثبیت حوزه علمیه جبل عامل نقش بسیار داشته‌اند.

از جمله این فقیهان می‌توان شمس الدین محمد ضحاک، محمود مشهور به امیرالحاج، علی بن بشاره شقرابی، حسین بن علی امامی، عبدالصمد جیاعی، علی بن محمد بن یونس بیاضی و حسن فتوی بیاضی را نام برد. بعدها شاگرد مهم شهید اول،

«ان السید الجليل اباظطالب احمد بن ابی ابراهیم محمد بن زهرة الحسینی قال: أن عمَّهُ السید علاءالدین بروی عن الشیخ الامام نجم الدین طومان بن احمد روایة عامة، و قرأ عليه كتاب الأرشاد». به نظر مهاجر (ص ۷۵)، افول علمی حلب در آن روزگار، موجب شده بود تا عالمی حلی، برای تحصیل فقه شیعی به جبل عامل سفر کند. متأری در سال ۵۸۰ ق (۱۳۲۷ م) در مدینه، پس از اعمال حج درگذشت (امل الامل، ج ۱، ص ۱۰۳).

صالح بن مشرف طلوسوی، عالم عاملی متوفی در اوائل قرن هشتم هجری، دیگر فقیه عاملی است که مهاجر به گزارش زندگی او می‌پردازد. حر عاملی (ج ۱، ص ۱۰۲) از او با نسبت «الجعی» یاد کرده که دلالت بر انتساب او به روستای مشهور جبع یا جبع دارد؛ اما سیدمحسن امین، نسبت او را «طلوسوی جبعی» آورده که بر این اساس، می‌توان زادگاه او را روستای طلوسوه دانست که نام پیشینش نجاربر بوده است. به نظر مهاجر، حر عاملی این عالم را بیشتر به سبب شهرت نواحی شهید ثانی، که به «جبعی» مشهور بوده، با این نسبت یاد کرده و بهتر است این فقیه را، همچون امین، با نسبت «طلوسوی» بشناسیم. از این عالم عاملی جز این نمی‌دانیم که حر عاملی، او را از شاگردان علامه حلی و جد شهید ثانی معرفی کرده است. نوشته شیخ حر مبنی بر اینکه طلوسوی نزد علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق / ۱۲۵۰-۱۲۲۵ م) تحصیل کرده، دلالت بر سفر این عالم عاملی، همچون بسیاری دیگر از عالمان امامی این دوره، به حلی دارد.

و اپسین فقیه مورد بحث مهاجر، عالم امامی جمال الدین ابراهیم بن ابی الفیب بخاری (متوفی حدود ۷۳۶ ق / ۱۳۳۵ م) است که صفتی افزون بر اشاره به وی در الوافی بالوفیات (ج ۶، ص ۷۶)، اعیان العصر (ج ۱، ص ۱۰۷) از او به عنوان «الفقیه الشیعی» یاد کرده است. ذهی نیز در شرح حال عالم مشهور حلی، ابوالقاسم بن حسین بن عودی نجیب الدین اسدی حلی (متوفی ۶۷۹ ق)، از اونام برده و بیتی از قصیده‌ای را که بخاری در رثای حلی سروده بوده نقل کرده است (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۳۸۲). به نظر مهاجر (ص ۷۹)، بر جد بخاری، زین الدین جعفر بن حسام از شاگردان شهید اول بوده و در روستای عیناً سکونت داشته و مهاجر افراد دیگری از این خانواده را معرفی کرده است. به نوشته

مناطق جبل عامل، با تفصیل بیشتری بحث کرده است. وی پس از گزارشی کوتاه از وضعیت سیاسی و چند اطلاع تاریخی درباره کرک نوح، از عالمی به نام حسین بن محمد بن هلال کرک سخن به میان آورده است که از شاگردان شهید اول بود و در حله نزد او علم آموخت و در ۱۲ شعبان ۷۵۷ اجازه دریافت کرد.

اطلاعات ما درباره شمس الدین محمد بن عبدالعالی کرک دیگر عالم عاملی نیز که ظاهراً در کرک نوح اقامته داشته، اندک است. به گمان مهاجر، نقش محوری در تحولات کرک نوح را شاگرد کمتر شناخته شده شهید اول، عزالدین حسن بن یوسف مشهور به ابن عشره کسروانی ایفا کرد. ابن عشره نزد دو تن از شاگردان شهید اول، حسن بن ایوب مشهور به نجم الدین اعرج و علی بن محمد بن عبدالعالی بن نجده علم آموخت چنانکه مهاجر اشاره کرده، ابن عشره، در نزد شاگردان شهید اول در جزین درس خوانده و احتمالاً در کرک نوح به فراغیری فقه نزد محمد عربی پرداخت. از نوشته شاگرد ابن عشره، محمد بن احمد صهیونی که در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی اشاره کرده و اینکه، ابن عشره نزد نظام الدین علی بن احمد نیلی دانش آموخته بود، می‌توان دریافت که ابن عشره مدتی نیز در حله بوده است. مهاجر به نقش مهم ابن عشره در تقویت حوزه کرک نوح پرداخته و به تفصیل از روابط میان ابن فهد حلی و ابن عشره سخن به میان آورده است (صحن ۱۸۲-۱۸۴).

مهاجر در ادامه بحث، از شاگردان ابن عشره یاد کرده است: نخستین شاگرد مورد بحث مهاجر، محمد بن اسکاف کرکی است که اطلاعات بسیار اندکی درباره او در دست است، اما دانسته‌های ما درباره دیگر شاگردان ابن عشره (متوفی ۸۲۶ق/۱۴۵۷م) فزون‌تر است. بی‌گمان، مشهورترین این شاگردان، چنانکه مهاجر نیز اشاره کرده، محمد بن علی جباعی (۱۴۷۱ق/۸۷۶م) است.

او به سبب تألیف مجموعه جباعی شهرت بسیار داشته و بعدها فقیهان بر جسته‌ای از میان فرزندانش برخاسته‌اند که مشهورترین آنها شیخ بهایی (۱۰۳۰ق/۱۶۲۱م) است.

از دیگر شاگردان ابن عشره،

حسن بن عشره کسروانی - که نسبت او در متون مختلف به دلیل ناآشنایی با این نسبت، بسیار تصحیف شده است - و دیگر عالمان عاملی اهل کرک، چون حسین بن هلال کرکی و محمد بن عبدالعالی کرکی، نقش مهمی در تأسیس حوزه علمیه در کرک نوح ایفا کرده‌اند. البته نقش شهید تنها در تربیت نسلی از فقیهان شیعی در جبل عامل نبوده و ابتكارات مهمی نیز در فقه امامیه داشته است و مهاجر (صحن ۱۲۹-۱۳۴) به بحث در این باره نیز پرداخته است. مهم‌ترین نظر تهیه توسع در اختیارات فقیه و وضع اصطلاح «نائب الأئمّة» برای فقیه بود. از جمله مطالب مهمی که مهاجر (صحن ۱۴۰-۱۴۲) در این بخش نقل کرده، وصیت‌نامه اخلاقی شهید اول است.

مراکز علمی جبل عامل، یعنی روستاهای جزین، عینات، کرک نوح، میس، جباع و مشغره، موضوع بحث در مفصل‌ترین فصل از کتاب است (صحن ۱۴۷-۱۵۹). مهاجر بحث را از جزین آغاز کرده که به سبب اقامته شهید اول در آن‌جا اهمیت خاصی در تحولات جبل عامل داشته است. کهن‌ترین گزارش درباره جزین، نوشته‌های مورخان اهل سنت است در اشاره به مهاجرت ابوالقاسم بن حسین بن عود اسدی حلی که به دلایلی مجبور به مهاجرت به جزین شده بود و در آن‌جا مورد احترام جامعه شیعیان قرار گرفت. ذہبی ضمن اشاره به مهاجرت حلی به جزین در اشاره به موقعیت او در آنجا نوشته است: «... ثم انه اقام بجزين مأوى الرافضة، فاقبلا عليه و ملكوه بالاحسان» (تاریخ الاسلام، ۱۵، ص ۳۸۲). در ادامه، مهاجر (صحن ۱۵۰-۱۵۶) گزارشی از عالمانی که در جزین به تحصیل مشغول بوده‌اند، آورده است: از میان آنان، حسن بن عشره کسروانی نقش مهمی در تداوم تلاش‌های شهید داشته است. عینات که پیش‌تر مهاجر در بحث از بخاری به اهمیت این شهر اشاره کرده بود، دومین محلی است که نویسنده

کتاب از آن بحث کرده و فهرستی از عالمان ساکن در آنجا، در فاصله میان شهادت شهید اول و ثانی به دست داده است (صحن ۱۶۱-۱۷۵).

مهاجر در باره کرک نوح (صحن ۱۷۶-۲۰۰) از مهم‌ترین

پرداخته است. البته شهرت اصلی این منطقه به سبب فقیه بر جسته آن علی بن عبدالعالی میسی مشهور به ابن مفلح (۹۳۸ق/ ۱۵۳۱م) است که بعد از فرزندانش به ایران مهاجرت کردند و شهرت بسیاری به دست آورده‌اند. میسی خود نزد محمد بن محمد بن مؤذن و محمد بن احمد صهیونی، شاگردان ابن عشره در کرک نوح تحصیل کرده بود و اجازات او از این استادان او باقی مانده و متن آنها را افندی در بخش ملحقات بحار الانوار آورده است. میسی تألیفات چندی نیز داشته است؛ از جمله آنها، مهاجر به شرح رساله صیغ العقود والایقاعات - که شرحی بر رساله صیغ العقود والایقاعات علی بن علی فقعنی - شرح الجعفریة علی بن عبدالعالی کرکی، و شرح قواعد علامه حلی اشاره کرده است. همچنین وی رساله‌ای به نام المیسیة داشته و صاحب اعلیان الشیعه (ج ۸، ص ۲۶۲) از آن به عنوان کتابی که «یقیل عنها العلماء کتیراً» یاد کرده است، اما البته ظاهراً نسخه‌ای از آن موجود نیست. مهاجر شرح کوتاهی نیز درباره شاگردان میسی آورده است (চص ۲۰۴-۲۰۵).

تاریخ درگذشت میسی را افندی به نقل از مجموعه جباعی چنین آورده است: «توفی شیخنا الامام العلامه التقى الورع الشیخ علی بن عبدالعالی المیسی، اعلى الله مقام نفسه الزکیة، الاربعاء عند منتصف اللیل. و دخل قبره الشریف بجبل صدیق النبی، ليلة الخميس الخامس او السادس والعشرين من شهر جمادی الاولی سنة ثمان و ثلاثین و تسعمائة» (رباض العلماء، ج ۴، ص ۱۲۱). بنابراین، تاریخ ۹۳۳ق. در کتاب شیخ حر عاملی، جای تردید دارد. در پایان (ص ۷، ۲) مهاجر به اختصار از نوادرگان میسی که به ایران مهاجرت کرده و نقش مهمی در ساختار دولت صفویه داشته‌اند، یاد کرده است. مسجد شیخ لطف‌الله میسی در اصفهان که یکی از بنای‌های زیبای بازمانده از عصر صفویه است، خود نشانه آشکاری از حضور آنها در ایران است.

در پنجمین مرکز علمی در جبل عامل، جمع یا جماع، از میانه قرن نهم هجری از وجود عالمی بنام، یعنی محمد بن علی جباعی (۸۸۷ق/ ۱۴۸۷م) در آن ناحیه اطلاع داریم. نام وی در اجازة علی بن علی بن طی (۸۵۵ق/ ۱۴۵۱م) به وی، با چنین القابی آمده است: «محمد بن الشیخ العلامة، ابی الفضائل، زین الدنیا و الدین، شرف الاسلام و المسلمين علی بن الشیخ بدral الدین حسن،

محمد بن محمد بن مؤذن جزینی، محمد بن احمد صهیونی، محمود بن امیرالحاج و علی بن هلال جزائری هستند (مهاجر، ۱۸۹-۱۸۷ص). از میان شاگردان او، بی‌گمان علی بن هلال جزائری نقش مهمی در بقا و حفظ حوزه کرک نوح داشته است. مشهورترین شخصیت کرکی، بی‌گمان علی بن عبدالعالی، مشهور به محقق (۸۷۰-۹۴۰ق/ ۱۴۶۵-۱۵۳۳م) کرکی، سرسلسله خاندان اعرجی کرکی است که نقش مهمی در تحولات سیاسی ایران عصر صفویه ایفا کرد. مهاجر در کتاب سنته فقهاء ابطال به تفصیل از او یاد و در کتاب حاضر (صص ۱۹۴-۱۹۹) به اختصار در این باب بسنده کرده است. نخستین فرد شناخته شده از خاندان کرکی، نجم‌الدین حسن بن ایوب اطرافی است که از شاگردان شهید اول بوده و خود، کسانی چون جعفر بن حسام عینائی و حسین بن یوسف بن عشره کسروانی را تربیت کرده است. از جمله نوادر آثار مربوط به اطرافی، کتابی است که شاگرد اطرافی، علی بن علی فقعنی (۸۵۵ق/ ۱۴۵۱م) - منسوب به روستای فقیه در ساحل صور - تأثیف کرده است. این کتاب که مسائل اليقین نام، و به «مسائل ابن طی» شهرت دارد، مشتمل است بر فتاوی شهید اول و اطرافی در برخی مسائل فقهی. پس از او، فرزند اطرافی، جعفر بن فخرالدین حسن بن ایوب اطرافی است که از او نیز اطلاع چنانی در دست نیست. آوازه این خاندان، در زمان حسن بن جعفر بن حسن بن اعرج (۹۳۹ق/ ۱۵۳۲م) به اوج رسید. وی در میس نزد علی بن عبدالعالی میسی که تنها شیخ اجازه اóst است، علم آموخت. او همچنین نزد خاله‌زاده خود، علی بن عبدالعالی کرکی (۹۴۰ق/ ۱۵۳۳م) نیز تحصیل و بعدها با دختر او ازدواج کرد. از جمله شاگردان او، که البته در طریق اجازه آنها قرار دارند، زین‌الدین بن علی جباعی، حسین بن عبدالصمد حارثی و علی بن هلال مشهور به منشار کرکی (۹۸۴ق) را می‌توان یاد کرد. اطرافی گرچه خود به ایران مهاجرت نکرد، اما فرزندش میرحسین کرکی (۱۰۰۱ق) با مهاجرت به ایران نقش مهمی در ساختار دینی حکومت صفویه داشت. مهاجر در کتاب دیگرش: الهجرة العالمية الى ایران فی العصر الصفوی: اسبابها التاریخیة و نتائجها الثقافية و السیاسیة اشاره‌هایی به او کرده است.

میس، چهارمین منطقه‌ای است که مهاجر به بحث از آن

علی عاملی مشهور به شهید ثانی (ع۵۹) نیست. واپسین منطقه جبل عامل که مهاجر از آنجا بحث کرده، بخش مشغله است که پیشتر از یوسف بن حاتم مشغله به عنوان یکی از عالمان آن منطقه بحث شد. بحث اصلی مهاجر در این بخش، گزارشی است درباره محمد بن حسین بن محمد بن محمد بن مکی (ق۹۰۳-۴۹۸) نیای خاندان آل حزیر. مهاجر به تفصیل از افراد شناخته این خانواده که برخی از آنها به ایران نیز مهاجرت کردند، سخن به میان آورده است. مشهورترین شخص در این خاندان، شیخ حزیر عاملی است که در مشهد شیخ‌الاسلام بوده و آثار گوناگونی به رشته تحریر درآورده که مشهورترین آنها وسائل الشیعه است.

پس از جمع‌بندی (صفحه ۲۵۳-۲۵۹)، پیوست، کتاب مشتمل است بر اشعار ابن ابی الغیث بخاری: اشعار او در رثای استادش ابوالقاسم بن حسین بن عود حلی (به نقل از ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۴۳۵-۴۳۶) و قصیده‌ای که او به مناسب خبر اعلان تشیع در ایران از سوی سلطان محمد خدابنده سرود. کتاب‌شناسی منابع، فهرست اعلام و فهرست کتاب، بخش‌های پایانی این اثر است. کتاب جبل عامل بین الشهیدین بی‌گمان اثری است ارزشمند برای علاقه‌مندان به تاریخ تشیع و تحقیقی ارزشمند برای پژوهشگران عصر صفویه و به ویژه بحث مهاجرت فقهای جبل عامل به ایران در عهد صفویه به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در آن برده. آن‌چه بر اهمیت این کتاب می‌افزاید تخصص نویسنده محترم است که پیش‌تر در کتاب‌های التأصیس لتألیخ الشیعه فی لبنان و سوریه (بیروت، ۱۹۹۲)، جبل عامل تحت الاحتلال الصهیونی (بیروت، ۲۰۰۰) و کتاب ستة فقهاء أبطال (بیروت، ۱۹۹۴-۱۴۱۵) جنبه‌های دیگر این مسائل را موضوع بحث قرار داده بود.

الشهیر بالجعی»، اما ظاهرًا عالم مذکور جبی‌الاصل نباشد و افراد این خانواده پیش‌تر در منطقه‌ای دیگر از جبل عامل زندگی می‌کردند؛ به نظر مهاجر، بدین سبب که فرزند این عالم، در ثبت گزارش تاریخ وفات پدرش، نوشتہ است: «ومات والدى على بن الحسن بن محمد بن صالح اللويزائى فى جمادى الاولى سنة ۸۶۱». نسبت «اللویزائی» اشاره است به روستای لویزه که البته محلی نزدیک به جبع و در جنوب آن واقع است. اطلاعات دقیق‌تر درباره این خانواده را تقی‌الدین ابراهیم کفعمی (۹۰۵-۹۹۰) برادر محمد در کتاب الجنه الواقعه و الجنۃ الباقیة اورد که در آن جا در معرفی خود می‌نویسد: «الکفعمی مولداً اللويزی محتداً الجعی اباً». این عبارت به صراحت دلالت دارد که اصل خانواده از روستای لویزه است و بعدها در جبع اقامت گزیده‌اند.

فرزندان علی بن حسن جبی، تقی‌الدین ابراهیم مشهور به کفعمی (منسوب به روستای کفرعیما)، احمد و محمد جملگی اهل علم بوده‌اند. اشاره مهاجر (صفحه ۲۱۰) به کفعمی، با وجود کترت آثار باقیمانده از این عالم عاملی، بدین سبب که در جبع اقامت نداشت، کوتاه است. اما به شرح حال محمد پرداخته که در کرک نوح نزد این عشره کسرروانی علم آموخت و به تصریح خودش، متون فراوانی را نزد این عشره قرائت کرد: «قرأت عليه كثیراً». مهاجر (صفحه ۲۱۱) در ادامه، توضیحاتی درباره محمد به نقل از پادشاهی وی از مجموعه جباعی اورد که عنوان پایان‌بخش این بحث، گزارش کوتاهی از مجموعه ارزشمند جباعی و اهمیت آن ارائه کرده است (صفحه ۲۱۳-۲۱۴).

در بحث از دیگر عالمان مشهور جبع یا جبع، مهاجر از علی بن احمد بن حجه نخاریری (۹۲۵-۱۵۱۹) – منسوب به روستای نخاریر (طلوسه) – یاد کرده است که شاگرد ظهیرالدین بن علی بن حسام عیناثی در عیناثاً و علی بن عبدالعالی میسی در میس و استاد نجم الدین تراکیشی مشغله و فرزندش زین الدین مشهور به شهید ثانی بود. نویسنده، همچنین در چند سطر، به حسین بن ابی الحسن جباعی (۹۶۳-۱۵۵۵) سرسلسله چندین خانواده عاملی و عبدالاصمد بن احمد جباعی (۸۵۵-۹۳۵) پرداخته است. شخصیتی که بحث اصلی مهاجر را به خود اختصاص داده است (صفحه ۲۱۵-۲۲۷) کسی جز فقیه نامور جباعی، زین الدین بن